

### The Effect of Thinking Styles and Gender on Emotional Intelligence

Keshavarsi Arshadi, Farnaz ;  
Emamipur.Suzan & Mazaheri Kalharodi,  
Naz Maryam

*This investigation, has been studied the effect of thinking styles and gender on emotional intelligence in 380 students (boys and girls). The sample of the study has been selected by multi- steps random cluster sampling. Their emotional intelligence and thinking styles were evaluated by emotional intelligence questionnaire and strenberg –wagner thinking styles questionnaire respectively.*

*The obtained results of data analysis, shows that Emotional intelligence has relationship with thinking styles and can predict emotional intelligence. Also, thinking styles of girl students was different from boys but There was not any difference between girls and boys emotional intelligence.*

### تاثیر سبک های تفکر و جنسیت بر هوش هیجانی

فرناز کشاورزی ارشدی<sup>۱</sup>، سوزان امامی پور<sup>۲</sup>، ناز  
مریم مظاهری کلهرودی<sup>۳</sup>

به منظور بررسی تاثیر سبک های تفکر و جنسیت بر هوش هیجانی، ۳۸۰ دانشجوی دختر و پسر، با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای خوشه ای انتخاب و با پرسش نامه ی هوش هیجانی و پرسش نامه ی سبک های تفکر، مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین هوش هیجانی و سبک های تفکر دانشجویان، رابطه وجود دارد و سبک های تفکر، هوش هیجانی را پیش بینی می کنند. همچنین، بین سبک های تفکر دانشجویان دختر و پسر، تفاوت وجود دارد در حالیکه هوش هیجانی دختران و پسران تفاوت معناداری ندارد.

### مقدمه

نظریه ها و مدل های بسیاری برای توصیف و تبیین تفاوت های افراد، در زمینه ی یادگیری ارایه شده است. تمامی این نظریه ها و مدلها در این موضوع توافق دارند که تفاوت های قابل توجهی در روش یادگیری و پردازش اطلاعات افراد، وجود دارد. این موضوع نشان می دهد که افراد به طور یکسان به جهان نمی نگرند و ممکن است هر فردی نسبت به دیگری در شیوه ی یادگیری و تعامل با جهان بیرونی، رویکرد متفاوتی داشته باشد.

۱- Ph.D، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۲- Ph.D، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

۳- کارشناس ارشد روان سنجی

رابرت استرنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) شیوه‌های متفاوت افراد در پردازش اطلاعات را به عنوان "سبک‌های تفکر" نامگذاری کرده است. از نظر وی، سبک تفکر، روش رجحان یافته‌ی تفکر است. سبک تفکر توانایی<sup>۲</sup> نیست، بلکه روش بیان یا کاربرد یک یا چند توانایی است. توانایی، به خوب از عهده‌ی کاری برآمدن اشاره دارد، در حالی که سبک، به اینکه فرد دوست دارد چگونه کار را انجام دهد، دلالت می‌کند. استرنبرگ (۱۹۹۷) بر اساس نظریه‌ی "خود حکومتی ذهنی"<sup>۳</sup> سیزده سبک تفکر ذهنی را مطرح می‌کند. نظریه‌ی خود حکومتی ذهنی، به اداره یا کنترل فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی مربوط است، بدین معنی که افراد نیاز دارند به طریقی فعالیت‌های روزمره‌ی خود را در منزل، مدرسه، محل کار و دیگر موقعیت‌ها کنترل یا اداره کنند. از نظر استرنبرگ، دو فرد با توانایی یکسان، ممکن است سبک‌های تفکر متفاوتی داشته باشند. سبک‌های مختلف، نه خوب هستند نه بد، بلکه متفاوتند. افراد، نیمی‌رخ از سبکها، یعنی مقدار متفاوتی از هر سبک را دارا هستند. برای نمونه، بعضی از افراد دوست دارند کارها را به روش خودشان انجام دهند. این افراد دارای سبک قانون‌گذارانه یا ابداعی هستند، در حالیکه بعضی دیگر دوست دارند از روش‌های موجود برای حل یا انجام یک مساله یا کار، استفاده کنند. این افراد دارای سبک اجرایی هستند. آنها ترجیح می‌دهند که از عقاید و روش‌های دیگران پیروی کنند نه اینکه خود، عقاید و روش‌هایی ابداع کنند. دسته‌ی دیگر، دوست دارند بر کارها و روش‌های دیگران نظارت داشته باشند و عقاید و کارهای دیگران را تحلیل و ارزیابی کنند. این افراد دارای سبک قضاوت‌گر یا ارزشیابانه هستند و معمولاً به عنوان داور یا منتقد عمل می‌کنند تا اینکه مجری نظرات و روش‌های دیگران باشند. درک سبک‌های تفکر، به فرد کمک می‌کند تا بداند که چرا بعضی فعالیت‌ها برای او مناسب هستند و بعضی دیگر نامناسب. بنابراین، سطوح مختلف آموزشی و محیط‌های مختلف درسی، سبک‌های مختلف تفکر را اقتضا می‌کند. موضوعی که می‌تواند در طی دوره‌های تحصیلی یا شغلی موجب عملکرد بهتر یا ضعیف‌تر شود. از سوی دیگر، سازه‌ی هوش هیجانی

---

1- Robert Strenberg

2- ability

3- Mental-self government

که توسط نظریه پردازان هوش بیان شده، درحقیقت نوعی از هوش غیر شناختی است که شامل یک دسته از توانایی‌ها و مهارت‌های اجتماعی و هیجانی است و احتمال موفقیت فرد درمقابله با فشارها و شرایط محیطی را افزایش می‌دهد.

مایر و سالووی (۱۹۹۷) معتقدند که هوش هیجانی، آن دسته از توانایی‌های ذهنی است که به تشخیص احساس‌ها و ادراک خود و دیگران کمک کرده و باعث می‌شود تا فرد بتواند احساس‌ها و هیجان‌های خود را تنظیم کند. هوش هیجانی، پنج مولفه‌ی خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، هوشیاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی دارد و ممکن است بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها باشد یا نباشد. سبک‌های تفکر، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها نیستند بلکه می‌توانند تا حدی بیانگر اولویت‌ها باشند. این تمیز، حایز اهمیت است زیرا توانایی‌ها و اولویت‌ها ممکن است با هم مطابقت داشته یا نداشته باشند. شکست‌ها و موفقیت‌هایی که به توانایی‌ها نسبت داده شده، اغلب ناشی از سبک‌ها است (استرنبرگ، ۱۹۹۷).

در بسیاری از محیط‌ها و موقعیت‌های آموزشی و شغلی، بر توانایی‌های فردی تاکید می‌شود و توانایی‌ها برای موفقیت در مدرسه، موقعیت‌های شغلی و زندگی، مهم و ضروری هستند اما باید توجه داشت که توانایی‌ها به تنهایی نمی‌توانند عامل موفقیت باشند، بلکه باید سبک‌های تفکر و یادگیری را به عنوان یکی از عوامل مهم و موثر در موفقیت شغلی و تحصیلی افراد در نظر گرفت. افراد با توانایی‌های یکسان، به دلیل وجود سبک‌های متفاوت، ممکن است از نظر پیشرفت تحصیلی متفاوت باشند و یا مشاغل مختلفی انتخاب کنند. زیرا بدلیل وجود سبک‌های متفاوت توانایی‌های خود را به شیوه‌های متفاوتی به کار می‌گیرند و در نتیجه به تقاضاها و درخواست‌های موجود در موقعیت‌های آموزشی یا شغلی به طور متفاوتی پاسخ می‌دهند. در واقع، سبک‌های تفکر، پلی را بین دو حوزه‌ی هوش (شناخت) و شخصیت ایجاد کرده‌اند که با مطالعه‌ی آنها می‌توان این دو حوزه را همزمان، مورد مطالعه قرار داد.

با توجه به توضیحات و دیدگاه‌های نظری مطرح شده برای هر یک از این دو مفهوم، به نظر می‌رسد بتوان بین سبک‌های تفکر و هوش هیجانی به نوعی ارتباط، دست یافت. بنابراین

هدف پژوهش حاضر، مطالعه‌ی رابطه‌ی هوش هیجانی با سبک‌های تفکر (قانون‌گذار، اجرایی، قضاوتگر، درون‌نگر و برون‌نگر) است.

### روش

در این پژوهش، سبک‌های تفکر به عنوان متغیر پیش‌بین، هوش هیجانی، به عنوان متغیر ملاک، جنسیت، به عنوان متغیر تعدیل‌کننده و سن، میزان تحصیلات دانشگاهی و نوع رشته‌های تحصیلی به عنوان متغیرهای کنترل، در نظر گرفته شدند.

**نمونه‌ی آماری:** نمونه‌ی آماری مورد بررسی، شامل ۳۸۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌ی علوم انسانی (۱۹۰ دختر و ۱۹۰ پسر) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، با دامنه‌ی سنی ۱۸-۲۹ سال است که با استفاده از روش نمونه برداری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند.

### ابزار پژوهش

برای گردآوری داده‌ها از دو پرسش‌نامه استفاده شده است:

۱- **پرسش‌نامه‌ی هوش هیجانی:** این ابزار، پرسش‌نامه‌ی ۹۸ سوالی است که بر اساس نظریات هوش هیجانی، به خصوص در چارچوب جدیدی که در سال ۲۰۰۱ توسط گلمن<sup>۱</sup> ارائه گردیده و توسط لشکری (۱۳۸۱) و به راهنمایی هومن و ساخته شده است. ضریب اعتبار فرم نهایی پرسش‌نامه ۹۸ سوالی با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۳ بدست آمده است.

۲- **پرسش‌نامه‌ی سبک‌های تفکر:** برای بررسی سبک‌های تفکر، از پرسش‌نامه‌ی سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر استفاده شده است. این پرسش‌نامه که در سال ۱۹۹۱ طراحی شده، شامل ۱۰۴ سوال است و ۱۳ خرده‌آزمون (سبک تفکر) را اندازه‌گیری می‌کند. هر خرده‌آزمون شامل ۸ سوال است که یک سبک تفکر را اندازه‌گیری می‌کند. از بین سوالهای این پرسش‌نامه، ۴۰ سوالی که ۲۴ سوال آن مربوط به بعد کارکرد (سبک‌های قانون‌گذار

قضاو تگر، اجرایی) و ۱۶ سوال آن، مربوط به دامنه‌ها (سبک‌های برون‌نگر و درون‌نگر) بودند، انتخاب و بر روی آزمودنی‌ها اجرا شد. امامی پور (۱۳۸۰) ضریب پایایی برای خرده‌آزمون‌های این پرسش‌نامه را از ۰/۴۳ تا ۰/۸۷ برای قانون‌گذارانه تا ۰/۸۱ برای سبک‌محافظه‌کارانه گزارش کرده است. ضریب همسانی درونی سوال‌های خرده‌آزمون‌های پرسش‌نامه‌ی سبک‌های تفکر، براساس نتایج حاصل از ۸۱۰ آزمودنی گروه نمونه نیز از ۰/۸۱ برای سبک بیرونی تا ۰/۵۳ برای سبک‌های مونارشی و آنارشی و برای کل سوال‌های پرسش‌نامه ۰/۹۳ است. امامی پور در بررسی اعتبار این آزمون با استفاده از روش مولفه‌های اصلی و چرخش متعامد (واریماکس) چهار عامل را معرفی کرده است که ۷۰/۵۹ درصد کل واریانس را تعیین می‌کنند.

#### یافته‌ها

در جدول شماره ۱ به ترتیب، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌ی حاصل از آزمون هوش هیجانی به تفکیک جنسیت، ارایه شده است. همانگونه که نتایج این جدول مشخص می‌کند میانگین نمرات هوش هیجانی دختران بالاتر از پسران است.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد نمرات هوش هیجانی

دانشجویان به تفکیک جنسیت			
کل نمونه	پسر	دختر	
۲۹۸/۹۴	۲۹۷/۴۲	۳۰۰/۴۶	میانگین
۲۹/۲۹	۳۰/۴۹	۲۸/۰۵	انحراف استاندارد

در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمرات حاصل از سبک‌های تفکر، به تفکیک جنسیت، ارایه شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین سبک تفکر، در دختران و پسران، مربوط به سبک تفکر قانون‌گذار و کمترین سبک تفکر در پسران، درون‌نگر و در دختران، سبک تفکر قضاو تگر است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات سبک‌های تفکر دانشجویان  
به تفکیک جنسیت

کل	پسر		دختر		قانون‌گذار
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	
۰/۸۹	۵/۶۶	۰/۸۴	۵/۶۷	۰/۹۴	۵/۶۵
۰/۹۹	۵/۱۶	۰/۹۳	۵/۰۷	۱/۰۵	۵/۲۶
۱/۰۵	۵/۱۵	۱/۰۱	۵/۱۷	۱/۰۹	۵/۱۲
۱/۲۵	۴/۶۶	۱/۲۵	۴/۷۳	۱/۲۵	۴/۵۹
۱/۵۰	۵/۱۶	۱/۰۴	۵/۰۲	۱/۱۳	۵/۲۹

برای تحلیل داده‌ها، رابطه‌ی هوش هیجانی با سبک‌های تفکر را بررسی کرده ایم. همانطور که یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، همبستگی بین هوش هیجانی با تمام سبک‌های تفکر، در سطح خطای کمتر از  $\alpha=0/01$  معنی دارد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون بین آزمون‌های هوش هیجانی و سبک‌های تفکر  
در دانشجویان

قانون‌گذار	اجرائی	قضاوتگر	درون‌نگر	برون‌نگر
۰/۲۵۶**	۰/۴۰۶**	۰/۳۵۱**	۰/۱۴۶**	۰/۳۷۸**

\*\* سطح معنی‌داری همبستگی در سطح ۰/۰۱

به منظور پاسخ‌گویی به این سوال که آیا نمرات سبک‌های تفکر، می‌توانند هوش هیجانی افراد را پیش‌بینی کنند، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد. نتایج تحلیل رگرسیون خطی چندگانه‌ی متغیر ملاک، در دانشجویان، بر اساس متغیرهای پیش‌بین سبک‌های تفکر، در جدول شماره‌ی ۴ آمده است.

نتیجه ی آزمون های F برای معنی داری مجذور R نشان می دهد که متغیرهای مستقل سبک های تفکر اجرایی ، برون نگر و قضاوتگر در متغیر وابسته یعنی هوش هیجانی، تاثیر گذارند ( $P < 0/001$ ). جدول شماره ۵ معنای داری زاویه ی (B) متغیرهای پیش بین (سبک های تفکر) را نشان می دهد.

جدول ۴: نتایج رگرسیون خطی چند گانه ی متغیر ملاک هوش هیجانی بر اساس متغیرهای پیش

بین سبک های تفکر

آلفا	مقدار f	برآورد خطای معیار	R <sup>۲</sup> تعدیل شده	R <sup>۲</sup>	R	
۰/۰۰۰	۵۷۹ ۷۴	۲۶/۸۱	۰/۱۶۳	۰/۱۶۵	۰/۴۰۶	اجرایی
۰/۰۰۰	۸۴۰ ۴۷	۲۶/۲۳	۰/۱۹۸	۰/۲۰۲	۰/۴۵۰	برون نگر
۰/۰۰۰	۸۰۳ ۳۹	۲۵/۶۲	۰/۲۳۵	۰/۲۴۱	۰/۴۹۱	درون نگر
۰/۰۰۰	۴۹۴ ۳۱	۲۵/۴۸	۰/۲۴۳	۰/۲۵۱	۰/۵۰۱	قضاوتگر

همانگونه که در این جدول می بینیم، ضرایب بتای سبک های تفکر اجرایی ، برون نگر درون نگر و قضاوتگر، به طور معناداری می تواند هوش هیجانی را پیش بینی کند. چنانکه ملاحظه می شود، فقط در سبک تفکر برون نگر، تفاوت معنی داری بین دو گروه از دانشجویان دختر و پسر بدست آمده است ( $P < 0/001$ ) و در سایر سبک های تفکر، تفاوت معنی داری بین دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد.

برای آزمون تفاوت هوش هیجانی دانشجویان دختر و پسر، میانگینهای دو گروه، مورد مقایسه قرار گرفته است (جدول شماره ۷). همانگونه که نتایج آزمون t نشان می دهد، بین دختران و پسران از نظر میزان هوش هیجانی، تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $t = 1/012, P < 0/05$ ).

جدول ۵: معناداری شیب زاویه ی متغیرهای سبک های تفکر

آلفا	t	ضرایب استاندارد نشده		عدد ثابت	
		Beta	خطای معیار		
۰/۰۰۰	۳۲/۶۷۰		۷/۲۶۵	۲۳۷/۳۳۵	۱ عدد ثابت
۰/۰۰۰	۸/۶۳۶	۰/۴۰۶	۱/۳۸۲	۱۱/۹۳۲	اجرائی
۰/۰۰۰	۲۸/۷۴۸		۷/۷۸۹	۲۲۳/۹۰۹	۲ عدد ثابت
۰/۰۰۰	۵/۳۱۷	۰/۲۸۷	۱/۵۸۶	۸/۴۳۳	اجرائی
۰/۰۰۰	۴/۲۱۸	۰/۲۲۸	۱/۴۴۷	۶/۱۰۵	برون نگر
۰/۰۰۰	۲۰/۶۸۹		۹/۵۸۹	۱۹۸/۳۸۳	۳ عدد ثابت
۰/۰۰۰	۴/۴۵۱	۰/۲۳۹	۱/۵۸۲	۷/۰۴۰	اجرائی
۰/۰۰۰	۵/۴۴۳	۰/۳۰۱	۱/۴۸۴	۸/۰۷۸	برون نگر
۰/۰۰۰	۴/۳۷۳	۰/۲۰۶	۱/۱۰۶	۴/۸۳۸	درون نگر
۰/۰۰۰	۱۹/۸۰۱		۹/۷۷۲	۱۹۳/۴۹۵	۴ عدد ثابت
۰/۰۰۰	۳/۵۶۲	۰/۲۰۰	۱/۶۵۲	۵/۸۸۴	اجرائی
۰/۰۰۰	۴/۵۰۷	۰/۲۶۱	۱/۵۵۱	۶/۹۸۹	برون نگر
۰/۰۰۰	۴/۱۲۹	۰/۱۹۵	۱/۱۰۶	۴/۵۶۸	درون نگر
۰/۰۲۳	۲/۲۸۶	۰/۱۲۳	۱/۵۰۶	۳/۴۴۴	قضایوت گر

جدول شماره ۶: تحلیل واریانس تک متغیره ی اثر عامل جنسیت بر سبک های تفکر

مجدور اتا	آلفا	مقدار F	میانگین مجدورات	درجه آزادی	مجموع مجدورات خطا	مشخصات آماری	
						منبع	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۰/۶۶۹	۰/۱۸۳	۰/۲۰۳	۱	۰/۲۰۳	جنسیت	قضایوت گر
۰/۰۰۰	۰/۸۴۴	۰/۰۳۹	۰/۰۳۱	۱	۰/۰۳۱		قانون گذار
۰/۰۰۹	۰/۰۷۲	۳/۲۶۲	۳/۲۲۲	۱	۳/۲۲۲		اجرائی
۰/۰۱۷	۰/۰۱۱	۶/۴۷۲	۷/۶۱۱	۱	۷/۶۱۱		برون نگر
۰/۰۰۳	۰/۲۶۰	۱/۲۷۵	۱/۹۹۳	۱	۱/۹۹۳		درون نگر

جدول ۷: مقایسه میانگین نمرات هوش هیجانی، در گروه دختران و پسران

آلفا	t	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
۰/۳۱۲	۱/۰۱۲	۳۷۸	۲۸/۰۵	۳۰۰/۴۶	۱۹۰	هوش هیجانی پسر
			۳۰/۴۹	۲۹۷/۴۲	۱۹۰	دختر



حال این سوال پیش می آید که رابطه‌ی سه متغیر مذکور چگونه است؟ یا به عبارتی، آیا جنسیت و سبک‌های تفکر می‌توانند هوش هیجانی را پیش بینی کنند؟ برای این منظور تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام داده ایم (جدول شماره ۸). همچنین در جدول شماره ۹ تحلیل واریانس یک متغیره ی اثر عامل سبک‌های تفکر و جنسیت در هوش هیجانی را ارائه کرده‌ایم.

جدول ۸: نتایج رگرسیون خطی چندگانه ی متغیر ملاک هوش هیجانی بر اساس متغیرهای پیش‌بین جنسیت و سبک‌های تفکر

برآورد خطای معیار	R <sup>۲</sup> تعدیل شده	R <sup>۲</sup>	R	شاخصهای آماری	
				مدل	جنسیت
۲۵/۹۳	۰/۱۴۶	۰/۱۵۰	۰/۳۸۷	۱	پسر
۲۵/۴۰	۰/۱۸۰	۰/۱۸۹	۰/۴۳۵	۲	
۲۵/۰۷	۰/۲۰۱	۰/۲۱۴	۰/۴۶۳	۳	
۲۷/۱۳	۰/۲۰۸	۰/۲۱۳	۰/۴۶۱	۱	دختر
۲۶/۳۹	۰/۲۵۱	۰/۲۵۹	۰/۵۰۹	۲	
۲۶/۰۲	۰/۲۷۲	۰/۲۷۲	۰/۵۳۲	۳	

جدول ۹: تحلیل واریانس تک متغیره ی اثر عامل سبک‌های تفکر جنسیت در هوش هیجانی

آنها	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منابع تغییرات	ویژگی‌های آماری	
						مدل	جنسیت
/...		۲۲۳۱۸/۹۹۷	۱	۲۲۳۱۸/۹۹۷	رگرسیون	۱	پسر
		۶۷۲/۲۶۳	۱۸۸	۱۲۶۴۰۴/۱۶۷	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۴۸۷۲۳/۱۶۳	جمع		
/...		۱۴۰۵۲/۶۸۵	۲	۲۸۱۰۵/۳۷۰	رگرسیون	۲	
		۶۴۵/۰۱۵	۱۸۷	۱۲۰۶۱۷/۷۹۴	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۴۸۷۲۳/۱۶۳	جمع		
/...		۱۰۶۱۵/۱۹۴	۳	۳۱۸۴۵/۵۸۳	رگرسیون	۳	
		۶۲۸/۳۷۴	۱۸۶	۱۱۶۸۷۷/۵۸۰	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۴۸۷۲۳/۱۶۳	جمع		
/...		۳۷۳۵۴/۵۳۹	۱	۳۷۳۵۴/۵۳۹	رگرسیون	۱	دختر
		۷۳۵/۸۳۸	۱۸۸	۱۳۸۲۲۷/۶۱۴	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۷۵۶۹۲/۱۵۳	جمع		
/...		۲۲۷۴۰/۵۶۶	۲	۴۵۴۸۱/۱۳۱	رگرسیون	۲	
		۶۹۶/۳۱۶	۱۸۷	۱۳۰۲۱۱/۰۲۱	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۷۵۶۹۲/۱۵۳	جمع		
/...		۱۶۵۹۳۰/۰۸۴	۳	۴۹۷۷۹/۲۵۱	رگرسیون	۳	
		۶۷۶/۹۵۱	۱۸۶	۱۲۵۹۱۲/۹۰۲	باقی مانده (خطا)		
			۱۸۹	۱۷۵۶۹۲/۱۵۳	جمع		

آزمون مجذور R ( $R^2=0/21$ ) در پسران، با مقدار F ( $F=16/89$ ) و همچنین مجذور R ( $R^2=0/28$ ) در دختران، با مقدار F ( $F=24/51$ ) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل، با هم و یا به تنهایی، در متغیر وابسته یعنی هوش هیجانی، تاثیر می‌گذارند. جدول ۱۰ نشان می‌دهد که در گروه پسران ۲۱ درصد و در گروه دختران ۲۸ درصد از پراکندگی مشاهده شده در هوش هیجانی، توسط متغیرهای مستقل سبک‌های تفکر و جنسیت توجیه می‌شوند.

جدول ۱۰: معناداری شیب زاویه‌ی متغیرهای سبک‌های تفکر و جنسیت

آلفا	t	ضرایب استاندارد	ضرایب استاندارد نشده		شاخصهای آماری		
			B	خطای معیار	جنسیت	مدل	متغیرها
۰/۰۰۰	۲۶/۵۹۴		۲۴۷/۸۶۴	۹/۳۲۰	عدد ثابت	۱	پسر
۰/۰۰۰	۵/۷۶۱	۰/۳۸۷	۱۰/۴۸۴	۱/۸۲۰	برون نگر		
۰/۰۰۰	۲۰/۱۵۸		۲۲۷/۸۹۰	۱۱/۳۰۵	عدد ثابت	۲	
۰/۰۰۰	۳/۸۲۵	۰/۲۸۴	۷/۶۹۳	۲/۰۱۱	برون نگر		
۰/۰۰۳	۲/۹۹۵	۰/۲۲۳	۶/۷۰۱	۲/۲۳۷	اجرایی		
۰/۰۰۰	۱۵/۵۰۲		۲۰۹/۳۳۴	۱۳/۵۰۴	عدد ثابت	۳	
۰/۰۰۰	۴/۲۹۴	۰/۳۲۲	۸/۷۱۰	۲/۰۲۹	برون نگر		
۰/۰۰۸	۲/۶۷۲	۰/۱۹۸	۵/۹۵۶	۲/۲۲۹	اجرایی		
۰/۰۱۶	۲/۴۴۰	۰/۱۶۲	۳/۶۴۱	۱/۴۹۲	درون نگر		
۰/۰۰۰	۲۲/۶۰۵		۲۲۷/۱۹۲	۱۰/۰۵۱	عدد ثابت	۱	دختر
۰/۰۰۰	۷/۱۲۵	۰/۴۶۱	۱۳/۳۶۳	۱/۸۷۶	برون نگر		
۰/۰۰۰	۲۰/۱۰۴		۲۱۳/۱۷۱	۱۰/۶۰۳	عدد ثابت	۲	
۰/۰۰۰	۳/۸۹۰	۰/۳۰۴	۷/۷۹۸	۲/۲۶۲	برون نگر		
۰/۰۰۱	۳/۴۱۶	۰/۲۶۷	۷/۴۱۹	۲/۱۷۲	اجرایی		
۰/۰۰۰	۱۴/۶۳۸		۱۹۲/۹۴۵	۱۳/۱۸۱	عدد ثابت	۳	
۰/۰۰۴	۲/۹۱۰	۰/۲۳۷	۶/۸۶۳	۲/۳۵۸	برون نگر		
۰/۰۰۱	۳/۳۶۷	۰/۲۵۹	۷/۲۱۴	۲/۱۴۳	اجرایی		
۰/۰۱۳	۲/۵۲۰	۰/۱۷۲	۵/۵۶۲	۲/۲۰۷	درون نگر		

همانگونه که جدول ۱۰ نشان می‌دهد، مقدار ضریب بتای گروه پسران، در سبک‌های تفکر برون‌نگر و اجرایی به ترتیب ۰/۳۲ و ۰/۱۹ می‌باشد که با توجه به  $t$  جدول، به طور معنا داری در سطح ( $p < ۰/۰۰۱$ ) و سبک تفکر درون‌نگر با ضریب ۰/۱۶ نیز به طور معنا داری ( $p < ۰/۰۰۱$ )، می‌توانند هوش هیجانی را پیش‌بینی نمایند. بنابراین، تابع پیش‌بینی هوش هیجانی،  $t = ۲/۴۴$ ، بر اساس سبک‌های تفکر و جنسیت به صورت ذیل می‌باشد:

$$\text{(نمره سبک تفکر برون‌نگر } \times ۸/۷۱) + EQ = ۲۰۹/۳۳۴ + \text{(نمره سبک تفکر اجرایی } \times ۵/۹۵۶) + \text{(نمره سبک تفکر درون‌نگر } \times ۳/۶۴۱)$$

مقدار ضرایب بتای گروه دختران در سبک‌های تفکر اجرایی و قضاوتگر، به ترتیب ۰/۲۳ و ۰/۲۵ و در سبک تفکر درون‌نگر با ضریب ۰/۱۷ است. این سبک‌ها نیز به طور معنا داری ( $t = ۲/۵۲$ ،  $p < ۰/۰۰۱$ ) می‌توانند هوش هیجانی را پیش‌بینی نمایند. بنابراین، تابع پیش‌بینی کننده‌ی هوش هیجانی بر اساس سبک‌های تفکر و جنسیت به صورت ذیل می‌باشد:

$$\text{(نمره سبک تفکر اجرایی } \times ۶/۸۶۳) + EQ = ۱۹۲/۹۴۵ + \text{(نمره سبک تفکر قضاوتگر } \times ۷/۲۱۴) + \text{(نمره سبک تفکر قانون‌گذار } \times ۵/۵۶۲)$$

چنانکه ملاحظه می‌شود در گروه پسران، سبک‌های تفکر برون‌نگر، اجرایی و درون‌نگر و در گروه دختران، سبک‌های تفکر اجرایی، قضاوتگر و قانون‌گذار می‌توانند هوش هیجانی را پیش‌بینی کنند. به این ترتیب، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بین هوش هیجانی و پنج سبک تفکر مورد بررسی، همبستگی وجود دارد و سبک‌های تفکر اجرایی، برون‌نگر و درون‌نگر و قضاوتگر می‌توانند هوش هیجانی را پیش‌بینی کنند.

به عقیده سالووی و مایر (۱۹۹۷) ایجاد ارتباط با مردم، به مقدار زیادی به مهارت کنترل و اداره‌ی احساس دیگران مربوط است. اینها توانایی‌های هستند که محبوبیت، قوه‌ی رهبری و نفوذ شخصی را تقویت می‌کنند. کسانی که در این مهارتها برتری داشته باشند، در فعالیت‌های

اجتماعی نیز موفق خواهند بود. استرنبرگ (۱۹۹۴) بیان می‌کند که انتخاب‌های زندگی مستلزم تناسب بین سبک‌های تفکر و توانایی‌ها است. افراد فقط یک سبک تفکر ندارند بلکه سبک‌های تفکر آنان متعدد و در موقعیتهای مختلف، متفاوت است، که این موضوع در طول زندگی تغییر می‌کند. وی معتقد است عواملی از قبیل جنس، سن، فرهنگ و دوران مدرسه، در سبک‌های تفکر نقش دارند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داده است که بین سبک تفکر برون‌نگر در میان دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد، به طوری که دختران نسبت به پسران برون‌نگرتر هستند. اما بین هوش هیجانی دختران و پسران تفاوت معناداری یافت نمی‌شود. هوش هیجانی به طور کلی، نوعی از پردازش‌ها و روش‌های اختصاصی یا رفتارهایی است که باعث حمایت و مراقبت از چالش‌های هیجانی می‌شود. برای مثال، از نظر سالووی و مایر (۱۹۹۷) هوش هیجانی، یک توانایی مرکزی به نام مدیریت هیجان دارد که از طریق این هسته، فعالیت خود را انجام می‌دهد. به بیان دیگر، فهمیدن یک احساس و مدیریت رفتار متناسب با آن، به عهده‌ی این هسته‌ی فعالیت است.

### منابع

- امامی پور، سوزان سیف، علی اکبر (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه‌ی آنها با اخلاقیات و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، شماره ۳، ص ۳۵-۵۶.
- سرمند، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.
- گل‌من، دانیل (۱۹۹۵). هوش عاطفی، ترجمه حمیدرضا بلوچ ۱۳۷۹، تهران: نشر جیحون
- گل‌من، دانیل (۱۹۹۵). هوش هیجانی، ترجمه نسرین پارسا ۱۳۸۰، تهران: انتشارات رشد
- لشگری، کبری (۱۳۸۱). تهیه آزمون هوش هیجانی و بررسی اعتبار و روایی و نرم‌یابی آن بر روی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- هومن، علی (۱۳۸۰). تأملی در هوش هیجانی، مجله‌ی پژوهش در روان‌شناسی، شماره ۲، ویژه تابستان

هومن، حیدر علی (۱۳۷۸). راهنمای تدوین گزارش پژوهشی، **رساله و پایان نامه تحصیلی**، تهران: انتشارات پارسا.

هومن، حیدر علی (۱۳۸۰). تحلیل داده های چند متغیری، تهران: نشر پارسا.

- Baron, Reaven. (1985). Emotional Quotient Inventory. [www. about. Com/ Mhs. qi](http://www.about.com/Mhs.qi).
- Hein, S( 2001). Emotional Intelligence. [www. Eiq. Org/](http://www.Eiq.Org/).
- Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad-based measurement of individual success potential or “emotional intelligence”, *enetic, social, and General psychology monographs*, 126, 133-239.
- Mehrabian, A. (2001). Measures for various aspects of emotional intelligence. [www. Kaaj/psch/scales. Htm](http://www.Kaaj/psch/scales.Htm).
- Mayer. J & Salovey. P (1997). About emotional intelligence. [www. CJ wolfe. Com](http://www.CJ.wolfe.Com)
- Rovenger, J. Fostering emotional intelligence. *School library Journal*, Dec 2000, vol. 46 Issue 12, p 40, 2p
- Sternberg, R. J. (1994). *Thinking styles: Theory and assessment at the interface between intelligence and personality*. In R. J. Sternberg combridge university press.
- Sternberg, R. J. (1994 B). Allowing for thinking styles. *Educational leadership*. 52, 30.
- Sternberg, R. J. (1997). *Thinking styles*. New York Cambridge university press.
- Sosick, M. J. (1999). Understanding leader emotional intelligence and performance. *Group and organization management*, vol. 24 Issue, p 30f, 24p, 4 charts.
- Tucher, M. L; Sojka, J. z; Baron, F. J; MC Cathy. A. M. *Training tomorrow's leaders: Enhancing the emotional intelligence of business graduates*. *Journal of emotions for business* jul/Arg 2000, 181 . 75 Issue 6. p 331, 7p, 1 diagram.
- Williamsen, K. (1995). *Emotional social intelligence*: Jane Braaten and Antonio Damasio.